

نظم‌گرای آتشین مزاج

خوب و بد کارلوس کی‌روش در پایان یک سال پرماجرا

فوتبال ملی

۵- پای فشردن بر منافع تیم ملی ایران تا به آن حد که بر سر آن دعوا و دوشل کند هر چند برخی نتایج منفی را هم در بر داشت اما این حس را به ملی پوشان القا کرد که اگر یک خارجی برای بهبود وضع آنها این طور می‌جنگد، آنها باید چند برابر آن بجنگند.

نقاط ضعف

۱- کی‌روش امسال هم بارها به لحاظ کلامی به جان این و آن افتاد و بدترین وجوه آن تلاش او برای تحقیر علیرضا اسدی دبیرکل فدراسیون فوتبال و حملات لفظی چندباره او به عباس ترابی‌ان به اتهام‌های موهوم بود و او حتی به امیرعابدینی هم فقط به این خاطر که به زعم وی در سازمان اقتصادی فدراسیون ضعیف عمل کرده رحم نکرد و ۱۲ ساعت در فدراسیون بست نشست تا این مقام بیاید و خدمتش برسد!

۲- تعطیل کردن مکرر مسابقات لیگ به بهانه تشکیل اردوهای پر تعداد و طولانی ملی، باشگاه‌ها را بشدت متضرر کرد و اگر سرانجام فقام پیروز مندان به برانکو ایوانکوویچ در تضاد با این اردوها در کار نبود، کی‌روش این روال را احتمالا تا جام جهانی ۲۰۲۲ هم ادامه می‌داد!

۳- شرط گذاشتن چند باره و آشکار و نهان برای تعدادی از ملی پوشان و منجمله رامین رضاییان از پرسپولیس مبنی بر بازی نکردن در مسابقاتی مانند جام حذفی و قصد سر حال ماندن شان در دیدارهای ملی دخالت مستقیم و تأسّف آور او در امور باشگاه‌ها بود.

۴- بیانیه‌های کی‌روش در طول سال که به آرامی برای چاپ و درج نسخه مکتوب (و نه اینترنتی) آنها باید یک چاپخانه بزرگ به تنهایی بسیج می‌شد جامعه ورزش و مردم را غرق در حیرت کرد، اگر کارلوس حتی یک دهم بیانیه هایش طرح و تکنیک‌های متنوع برای تیم ملی می‌ریخت، این تیم در این سال‌ها این همه بدون جام و عنوان نمی‌ماند.

۵- دخالت کی‌روش در سایر امور فوتبال و خط‌گرفتن سایر افراد و امور فدراسیون و سازمان لیگ از نظرات وی در سال ۱۳۹۵ نیز حالتی مفرد و تأسّف آور پیدا کرد بخصوص که او بارها لیگ ایران را بی‌ارزش دانسته و اولویت را در انتخاب هایش همیشه به لژیونرها داده است.

□ **وصال روحانی /** «خوب و بد» های کارلوس کی‌روش و کارهایی که این پرتغالی ۶۳ ساله با تیم ملی فوتبال ایران در سال روبه‌اتمام پیرماجرای ۱۳۹۵ انجام داد، ترکیبی از قاعده‌مندی‌های سفت و سخت و تندخویی‌های برخاسته از رد شدن برخی طرح‌هایش بود. او یک بار دیگر خود را به عنوان «مردنظم‌گرا» نشان داد که روحیه آتشین‌اش اجازه هیچ حرکتی خلاف خواسته‌های وی را حتی به سران نه چندان استوار فدراسیون فوتبال نمی‌دهد. بهره‌ها و ضررهای کی‌روش در سال ۱۳۹۵ که به واقع به تمامی دوران حضور او در ایران بسط می‌یابد. از این قرار بوده‌اند:

نقاط قوت

۱- در حالی که کارلوس کی‌روش طی ۵ سال و ۱۱ ماه زمامداری‌اش در تیم ملی فوتبال ایران قریب به ۱۰۰ نفر را در مسابقات متعدد این تیم آزموده است بزرگ‌ترین موج ایجاد شده توسط وی در دوسال و نیم اخیر موج عظیم جوان‌گرایی و جانشین‌سازی مسن‌ها در اردوی ملی بوده است.

۲- پایانی بر بازیکن‌سالاری‌ها هر چند در مقاطعی با دلهره‌های مرتبط با غیبت امثال سیدمهدی رحمتی، هادی عقیبی، مجتبی جباری و محمدرضا خلعتبری در دیدارهای ملی همراه بوده اما همیشه چهره‌های جانشین به حد کفایت درخشیده‌اند تا دیگر نه «افراد» بلکه نظم «گروهی» حرف اول را در تیم ملی بزند.

۳- در حالی که تیم ملی در ادوار گذشته همیشه از تزلزل‌های دفاعی رنج برده، باطراحی کارلوس کی‌روش این تیم ارائه گر قوی‌ترین بازی‌های دفاعی در آسیا طی سال‌های اخیر بوده و با همین حربه است که بیش از ۳ سال و نیم است که در این قاره به هیچ‌کس نباخته است. این تیم در بازی اولش در مرحله نهایی انتخابی جام جهانی ۲۰۱۸ در قاره آسیا حتی یک گل هم نخورده است.

۴- تأکید کی‌روش بر تأسیس مرکزی که کارش بر آورد فیزیکی و پزشکی وضعیت ملی پوشان باشد، سرانجام یکی از ساختمان‌های کمپ تیم‌های ملی را به این مهم اختصاص داد و هر چند اوستی‌های تندی در این راه با زهره هراتیان رئیس «ایفمارک» داشت اما حالا یک عمارت مخصوص برای کار فوق وجود دارد.

شکل گرفت که یک ورزشکار مرد ایرانی (جعفر سلماسی) نخستین مدال تاریخ المپیک‌ها را برای این رده در رشته وزنه‌برداری در المپیک لندن به دست آورده بود. عزیزاده با این مدال به جوان‌ترین ورزشکار ایرانی برنده مدال در المپیک‌ها هم تبدیل شد و چون سدی قدیمی را شکست شاید کار او بازکننده راهی طولانی و پیردوام برای زنان ورزش ایران در المپیک‌ها باشد. پیشتر، ۲ مرد ایرانی در سنی کمتر از ۲۱ سال مدال المپیک گرفته بودند که ناصر گیوه‌چی و رسول خادم بودند و او در ۱۹ سالگی در المپیک ۱۹۵۲ هلسینکی چنین کرده بود و دومی (رسول خادم) هم در المپیک ۱۹۹۲ بارسلونا در ۲۰ سالگی برنز و نوزش را به دست آورد.

تیم‌ها روی کاکل و الیبال

در میان ورزش‌های تیمی سال ۱۳۹۵ هم با والیبال ما به گونه‌ای پیشتازی کرد و تا یکچهارم نهایی مسابقات المپیک صعود کرد و مثل سایر حذف شده‌های این مرحله صاحب رتبه پنجمی مشترک شد که البته عنوان ارزشمندی است. این در سالی روی داد که بسکتبال و هندبال به المپیک نرسیدند و سایرین حتی به این امر قدری نزدیک هم نشدند.

تعویض جای نوشادونیمیا

پینگ‌پنگ با برادران عالمیان به المپیک رفت و ندا شهسواری رانیز برای دومین المپیک پایایی در این آوردگاه حاضر داشت اما همان طور که پیش بینی می‌شد هیچ سهمی از مدال‌های این رشته سهم ورزشکاران ما در سستی‌ها با شوق آسیایی‌های برتر و بویژه چین قدرت مطلقه این رشته داشتند، نشد. این نکته هم جالب توجه بود که در رقابت درون خانوادگی عالمیان‌ها، نیما سرانجام به نوشاد رسید و حتی در برخی موارد و میدان‌ها از او جلو افتاد و به چهار پنج سال پیشتازی مطلق او پایان داد.

این «سارا»ی جهانی

حجم حضور شطرنج‌بازان ایرانی در میدان‌های بین‌المللی این رشته در ۱۵ سال اخیر خیره‌کننده بوده ولی امسال بالاترین دستاوردهای این حضور، نه به نام احسان قائم‌مقامی یا رقبای سال‌های گذشته و بلکه به نام یک بازیگر زن مستعد و جوان چون سارا اسادات خادم‌الشریعه نوشته شد. فردی که در مسابقات جوانان جهان تا کسب رتبه سومی پیش رفت و در جمع بزرگسالان و بین بهترین‌های دنیا هم کمترین فاصله را تا رسیدن به جمع ۳ نفر اول داشت. شطرنج‌ایک در وجود او فردی را می‌بیند که حتی قادر به کسب عنوان قهرمانی جهان هم هست، چیزی که تا قبل از ظهور وی فقط یک رؤیا بود.

زهران نعمتی در صدر اخبار

بازتاب‌های سپرده شدن پرچمداری ایران در المپیک ۲۰۱۶ ریو به زهران نعمتی برای کل جامعه ورزش ایران عالی بود. نعمتی البته مدال هایش را یک ماه بعد از آن در پارالمپیک ریو تصاحب کرد و باز هم یک کم‌انداز فوق‌العاده نشان داد اما حضور چشمگیر او در افتتاحیه المپیک ریو نشان از بیداری و جایگاه علمی بانوان در ورزش و جامعه ایران در تضاد با تبلیغات برخی نیروهای انحصارگرای غربی داشت و ثابت کرد که زن ایرانی در همه عرصه‌ها ورده‌ها پویا، موفق، تلاشگر و به تبع آن خبرساز نخست است.

معدن‌های ما

در سالی که دو چرخه سواری ناموفق و کاراته با نظایر حمیده عباسعلی پیروز نشان داد فوتبال با انواع واقسام حاشیه‌ها در لیگ برتر و مدال‌های متعدد و مختلف بیانیه‌های کارلوس کی‌روش به سوی منفی‌گرایی هر چه بیشتر کشیده شد و معدن‌های ما نشان داد که در این مقال جای پرداختن به آن نیست و در صفحات فوتبال نگاه جامع‌تری به این روند شده است ولی نمی‌توان متذکر نشد که فوتبال همچنان فقط پول نجومی برای اعضای نه چندان سپاسگزار جامعه خود تولید می‌کند بدون اینکه رفتار و نتایج شایسته برخاسته از آن را دریافت نمایند و این یک افسوس بزرگ است.

